

پیوستگی های فرهنگ ایران با فرهنگ زبان های ترکی سده های ۱۷-۱۱ م.

• عباسقلی غفاری فرد

چپاول ها، کشتارها و... دارد، آن هم به طور روایی و نه تحلیلی. همواره می‌کوشم خود را از آن شیوه کنار بکشم ولی چه کنم که سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل

بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران

به عنوان آموزگاری که سه دهه از زندگانی خود را به آموزش گذرانیده و نزدیک به دو دهه آموزش یافته، می‌گویم که شیوه نادرست آموزش، ما را از روند درست پژوهش و جست‌وجو بازداشته و پیامد بدی در تاریخ‌نگاری ما بر جای گذاشته است و شگفت است که نه تنها برای از میان برداشتن آن شیوه تلاش نمی‌شود، بلکه بر نگهداری و گسترش آن پافشاری نیز می‌شود. تا چند سال پیش در دانشگاه‌های کشور، به ویژه در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری، اساس کار بر پژوهش و ابراز دیدگاه‌های نوین بود، اما اکنون برگزاری آزمون‌های کتبی در این دوره‌ها بدان انجامیده که دانشجویان برای پاس‌خگویی به پرسش‌های آزمون پایان ترم، یکی دو تا کتاب بخوانند و آزمون را از سر بگذرانند! پیامد این روش، همان خواهد بود که در بالا گفته شد.

کتابی که اکنون به خواننده فارسی زبان تقدیم می‌گردد، ترجمه‌ای از چندین مقاله است که من در هیچ یک از آن‌ها جستاری تکراری ندیدم و همه آن‌ها می‌توانند برای خواننده تازگی داشته باشند. نوشته‌های برخی از این مقالات، تاکنون به ندرت در مسائل تاریخی ایران به بررسی گذاشته شده است. چنان که از عنوان کتاب برمی‌آید، هدف از پژوهش‌های حاضر، نشان دادن پیوستگی‌های فرهنگی ایران با فرهنگ زبان‌های ترکی است و به همین دلیل، بررسی‌های مقالات نامبرده، می‌تواند برای ترک زبان‌ها و ایرانیانی که گویش ترکی دارند، بسیار سودمند باشد.

در نخستین مقاله با عنوان «تیمورگرایی عثمانی»، میکله برناردینی MICHELEBERNARDINI به بررسی ویژگی‌های زبان فارسی در تمدن عثمانی پرداخته و نتیجه گرفته که این ویژگی در آغاز به تیموریان و سپس از طریق آن‌ها به عثمانی‌ها انتقال یافته است. در این راستا، نویسنده مقاله کتاب شهرانگیز اثر لامعی چلبی



- Irano - Turkic cultural contacts in The 11th-17th Centuries
- edited by: Eva M. Jeremiàs
- publisher: The Avicenna institute of middle eastern studies, pilscsaba, 2003

پیش از شناساندن کتاب باید بگویم که بیشتر دوستدار تألیف هستم تا ترجمه، ولی هنگامی که کاری علمی و تحلیلی می‌بینم نمی‌توانم بر انگیزه ترجمه و قرار دادن آن کار شایسته در اختیار خواننده فارسی خودداری کنم. بی‌پرده و آشکار باید بگویم که من پرورده یک شیوه نادرست آموزشی هستم، شیوه‌ای که نه پژوهش علمی و نگرش همه سویه، بلکه فرورفتن در انبوهی از ذهنیات برگرفته از کتب درسی و بازگویی آموخته‌های دوران تحصیل، به شیوه یک سویه رابه من یاد داده است. شیوه‌ای که بیشترین گرایش را به بازگویی و بررسی شکوه دربارها، تک‌سواری «خاقان گردون اقتدار»، کشتار همگانی «شاه دین‌پناه»، ستایشگری‌های شعرا،

میکله برناردینی در مقاله «تیمورگرایی عثمانی» به بررسی ویژگی‌های زبان فارسی در تمدن عثمانی پرداخته و نتیجه گرفته که این ویژگی‌ها در آغاز به تیموریان و سپس از طریق آن‌ها به عثمانی‌ها انتقال یافته است

برت ج. فراگنر در مقاله «محاكمه»، به
بررسی یکی از کتاب‌های میرعلی
شیرنویایی با عنوان محاكمة اللغتين
می‌پردازد و در راستای این بررسی به
رابطه ریشه‌های نژادی و زبانی نیز
روی می‌آورد

پای راست خود را از دست داد و هدین یک بار تا پای مرگ پیش رفت.
گزا دیوید CÜZA DÜVID در مقاله‌ای به بررسی زندگانی
اولامه سلطان تکلو می‌پردازد. زندگانی او تا زمانی که در ایران و در
خدمت شاه تهماسب اول بوده، تا اندازه‌ای روشن است. اما پس از
شورش و فرار به قلمرو عثمانی، از سرگذشت او آگاه نیستیم. گزا
دیوید، این بخش از تاریکی‌های تاریخ صفوی را درباره اولامه
سلطان روشن می‌سازد که کاری درخور ستایش است.

پال فدر PÁL FODOR در مقاله «تماس‌های سده شانزدهم»،
پیامد جنگ‌های ایران را در سیاست عثمانی در اروپای مرکزی آشکار
می‌سازد. وی از تلاش‌های کشورهای نیرومند اروپایی برای یگانگی
با ایران در برابر عثمانی‌ها و پیامد جنگ‌های ایران و عثمانی در
پیشروی عثمانی‌ها به سوی اروپا سخن می‌گوید.

از دیدگاه نویسنده، عثمانی‌ها پس از گرفتن قسطنطنیه،
اندیشه تسلط بر جهان را در سر می‌پرورانده‌اند. از دید آن‌ها باید یک
امپراتور، یک آیین و یک حاکم بر روی زمین وجود می‌داشت. اما از
روزگار سلطان سلیمان قانونی به دلیل دستاوردهای ناچیزی که از
لشکرکشی‌های اروپا به دست آمد، عثمانی‌ها اندک اندک از ادعاهای
خود دست برداشته به ویژگی اسلامی امپراتوری خود پرداختند.

از سوی دیگر، تلاش‌های ایران برای یگانگی با اروپایی‌ها در
برابر عثمانی نیز دستاوردشایانی در پی نداشت.

برت ج. فراگنر BERT G. FRAGNER در مقاله
«محاكمه»، به بررسی یکی از کتاب‌های میرعلی شیرنویایی با عنوان
محاكمة اللغتين می‌پردازد و در راستای این بررسی به رابطه
ریشه‌های نژادی و زبانی نیز روی می‌آورد. از دید او ناحیه‌گرایی به
ناچار با نژادگرایی و ویژگی‌های زبانی در یک جامعه کهن و در یک
جامعه نوین، همخوانی ندارد. هم‌چنین، نویسنده بر ادعای میرعلی
شیرنویایی در راستای برتری زبان ترکی بر زبان فارسی خرده می‌گیرد
و می‌گوید که دست کم پنجاه درصد نوشته‌های ترکی میرعلی شیر،
واژه‌های عربی و فارسی را در برگرفته است.

یاکاگوگوتو YUKAKO GOTO در مقاله «تیمور و
سلسله‌های محلی ایران» می‌گوید که امپراتور سلسله‌های
نیرومندی مانند کرت‌های هرات و مظفریان فارس را نابود ساخت، اما
با سلسله‌های کوچک که خود خواسته تسلیم می‌شدند، از سازش
درآمد. در این راستا، نویسنده، به بررسی سه سلسله سربداران در



را نمونه‌ای برجسته در ادبیات عثمانی دانسته که از ادبیات تیموری
متأثر بوده و در نتیجه ویژگی‌های کهن زبان فارسی به آن راه یافته
است. شهرانگیز، کتابی منظوم درباره شهر بوسرا و از نشانه‌های
سبک و ادبیات شمرده می‌شود. این گونه کتاب در ایران، شهر آشوب
نامیده می‌شود و در آن از ویژگی‌های یک شهر از دیدگاه‌های
گونگون سخن می‌رود.

کلیفورد ادموند بوسورث EDMUND C. BOSWORTH
در مقاله «دو پیشگام جاده ابریشم»، از دو باستان‌شناس به نام‌های
اورل اشتاین AUREL STEIN و سیون هدین SVENHEDIN
سخن می‌گوید که با انگیزه‌های باستان‌شناسی، به گردش در آسیای
میانه پرداخته‌اند و در نتیجه به کشف جغرافیای تاریخی آن سرزمین
کمک‌شایانی کرده‌اند. بوسورث هنگام سخن گفتن از تلاش‌های آن
دو، گفتار بسیار سودمندی درباره مسیر جاده ابریشم و جغرافیای
آسیای میانه به میان می‌آورد و کوشش‌های آن‌ها را بسیار می‌ستاید،
زیرا آن‌ها در این تلاش تا آن جا پیش رفتند که اشتاین تمام انگلستان

▲ درباره سلطان
عثمانی، از کتاب
All of Istanbul,
Uğur Ayyıldız

خراسان مرعشیان در مازندران و گیاه‌ها در گیلان می‌پردازد. او ژرمیاس ÜVA M. JEREMİAS به بررسی دستور زبان فارسی می‌پردازد که توسط نویسنده‌ای عثمانی به نام کمال پاشا زاده نوشته شده است. نویسنده، مندرجات دستور زبان نامبرده را تا اندازه‌ای عیناً نقل می‌کند و درباره‌ی درستی یا نادرستی آن‌ها، آگاهی‌هایی به خواننده می‌دهد.

میکلای مراث MIKLCS MARC TH در مقاله‌ای با عنوان «کتابخانه‌ی سلطان بایزید دوم» فهرستی از کتابخانه‌ی نامبرده را که یکی از کارکنان کتابخانه فراهم آورده، مورد بررسی قرار می‌دهد. کارمند نامبرده العطوی نام داشته و به فرمان خود سلطان بایزید به آن کار پرداخته است. نویسنده مقاله میان کتابخانه سلطان بایزید و کتابخانه ماتیس پادشاه مجارستان که بزرگ‌ترین کتابخانه‌ی اروپا در آن روزگار بوده، مقایسه‌ای به عمل آورده که شایان توجه بسیاری است. به گفته‌ی او در کتابخانه سلطان بایزید نزدیک به ۵۷۰۰ جلد کتاب نگهداری می‌شده در حالی که در کتابخانه‌ی ماتیس نزدیک به ۲۵۰۰ جلد کتاب در دسترس بوده است.

چارلز ملویل CHARLES MELVILL در مقاله «تاریخ و افسانه»، کتابی با عنوان غازان نامه نوشته‌ی الاژدری را بررسی کرده است. او به برخی از گفته‌های این کتاب و پیوند دادن تاریخ با افسانه و رویدادهای شاهان باستانی ایران به غازان خان، خرده گرفته است. غازان نامه گزارش گردآمدن غازان با شیخ زاهد گیلانی و گفت‌وگویی میان آن‌هاست و در آن کتاب، پادشاه مغول ایران، از شیخ زاهد پرسش‌هایی می‌کند و پاسخ‌هایی دریافت می‌نماید.

ایشتوان نیاترای ISTVÀN NYITRAI در مقاله «سومین وهله از کشمکش‌های عثمانی - صفوی»، روابط سیاسی میان آن دو سلسله را به سه دوره تقسیم می‌کند: دوره نخست از روزگار برآمدن شاه اسماعیل به تخت سلطنت تا جنگ چالدران، این وهله از سیاست صفوی تهاجمی شمرده می‌شود. پس از شکست صفویه در جنگ چالدران تا هنگام بسته شدن عهدنامه آماسیه، سیاست عثمانی‌ها تهاجمی می‌شود. در وهله سوم یعنی از آغاز سازش در سایه عهدنامه آماسیه، کشمکش‌های باورها به میان می‌آید. عثمانی‌ها می‌کوشند با بنیاد کردن شهنامه‌چی در استانبول، از طریق یکی کردن امپراتوری عثمانی در اندیشه‌های ایرانی در اصطلاح شاهنامه، پیروزی‌های آن‌ها را مشروع جلوه دهند، و از سوی دیگر ایرانی‌ها تلاش دارند با تهیه شاهنامه شاهی به آن‌ها پاسخ دهند. نیاترای این کشمکش اندیشه‌ها را بررسی کرده است.

بندیک پری BENEDEK PÜRI در مقاله «ترکیب قومی اشراف ایرانی در دربار اکبر» از رواج زبان ترکی در دربار اکبر پادشاه گورکانی هند سخن می‌گوید و می‌نویسد که این زبان تا آغاز سده نوزدهم، به یک زبان ادبی در هند تبدیل شده و زبان زنده‌ای شمرده می‌شد. وی انگیزه خود را از نوشتن این مقاله، تقدیر از نویسندگان زبان ترکی می‌داند و آن را پاداشی برای کسانی قرار

می‌دهد که در جست‌وجوی ریشه‌های نژادی خود در آسیای میانه هستند. از دید پری لقب و کنیه از نظر روشن ساختن وابستگی‌های قبیله‌ای و ارضی بسیار سودمند است.

والتر پوش WALTER POSCH در مقاله «مرز چیست؟» موقعیت کردستان را از دیدگاه مرزی میان عثمانی و صفوی بررسی کرده است. او در میانه این بررسی، ویژگی‌های دشمنان عثمانی در غرب، یعنی خاندان هابسبورگ در مجارستان و صفویه در ایران را نیز مورد توجه قرار داده است. در این بررسی از شهرها و سرزمین‌ها و قبایلی سخن به میان آمده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: قارص، چخور سعد، مسخطی [شاید هم، مسق]، پاسین، حسن قلعه، چوبان کرپروسو، خنس، گوگ سو، ارجیش (شهرها و سرزمین‌ها)؛ محمودی، دنبلی، شنبو، بابان، کلهر، زنگنه، روزبهان، روزگی، یزیدی پازوکی، کُردهای بدلیس.

راجر سیوری ROGER M. SAVORV در مقاله‌ای موضوع اسارت تاجلو خانم همسر شاه اسماعیل اول، به دست عثمانی‌ها را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که بازداشت دیر هنگام او در عثمانی درست نیست. تاجلو خانم تنها یک شب در چادر یکی از سرداران عثمانی بازداشت بوده و با دادن رشوه توانسته آزادی خود را باز یابد. ظاهراً بهروزه خانم یکی دیگر از زنان دربار شاه اسماعیل به دست عثمانی‌ها گرفتار آمده و تا آخر زندگانی خود در قلمرو آن‌ها به سر برده است.

بلازس شودار BLAZS SUDÀR در مقاله «موسیقی درباری ترکی» به اوضاع موسیقی ترکی در گذشته و وابستگی آن به دانش پرداخته و از موسیقی کهن (کلاسیک) سخن به میان آورده است که سه زمینه مذهبی، نظامی و درباری را در بر می‌گیرد. زمینه مذهبی به اذان و مؤذن برمی‌گردد و بیشتر عبادی است یا شادی بخش؛ زمینه نظامی در روزهای جشن و پیروزی کاربرد دارد و زمینه درباری نشانگر شکوه و بزرگی موسیقی کهن می‌باشد. نویسنده مقاله، سه پیوست نیز به نوشته خود افزوده که قطعاتی را در مقام دوگاه حسینی، در مقام عراق و در مقام نوا در بر می‌گیرد. و سرانجام، **استفان و اشاری ISTVÀN VÁSÀRY**، در مقاله «مراحل اولیه سواد ترکی اسلامی، سوادی است که بر پایه الگوهای فارسی شکل گرفته. از دید او، ترکان دارای دو زبان نوشتاری اسلامی بودند: ترکی شرقی و ترکی غربی، سواد ترکی اسلامی از بلاساغون، کاشغر و دیگر مراکز نیمه شرقی امپراتوری قره‌خانین آغاز شده و به همین دلیل قره‌خان‌ی یا خاقانی نام گرفته است. مرحله دوم ترکی شرقی و خوارزم در سده‌های ۱۴-۱۳ شکل گرفته و ترکی خوارزمی نامیده شده و در سده ۱۵ در روزگار تیموریان شروع به رشد کرده است. سواد ترکی غربی در قلمرو ترکستان شرقی، ماوراءالنهر، سمیره‌چی، خوارزم و دشت قیچاق پراکنده شد و به صورت زبان نوشتاری مردم ترک مسلمان درآمد. نویسنده، اشعار **جلال الدین مولوی (رومی)** و پسرش **سلطان ولد** را در رأس ادبیات کهن عثمانی قرار می‌دهد.

پال فدر از تلاش‌های کشورهای نیرومند اروپایی برای یگانگی با ایران در برابر عثمانی و پیامد جنگ‌های ایران و عثمانی در پیشروی عثمانی‌ها به سوی اروپا سخن می‌گوید